

نوشته‌ای که ملاحظه میکنید از جمله آثار دکتر جعفر است که هرگز منتشر نشده است شاید به این دلیل که همه صفحات دستخط آن موجود نیست با تلاش بسیار برای تکمیل آن و علیرغم این کمبود مجموعه در دسترس را در اختیار شما میگذارم.

ملکه مصطفی سلطانی

### فب دکرات و جنبش اخیر کراتان

برپای جنبش توپوگرافیک وسیع <sup>حقن کرد</sup> برای رفع کتیم پلی ، در دوره اخیر مجلس با اصحاب و مطلبیات و حتی در مجلس کتب دکتر مطالبات دکترانیک توانم بوده است .  
 در مجلس شش ماه قیام تا ۲۸ مرداد ۵۸ ، کراتان م در تحت بنی ماه م مجلس از  
مطلبیات دکترانیک بود .

با خیلی ساز مراکز تیمی ، مردم عمده مسیح گوند وسیع مانند ، آزادان بیان ،  
مطلبیات ، تعلیم ، فزارب ، عید برقرار گرسنه بود ، آزادان بیان که بودند مجلس  
زحمت بسیار با وسیع ضمانت میر بود . دکترانیک لی تانی از لوی ترویج به کراتان  
در فرام گرمی ناچار نیم سایتهای مجلس را برای توده وسیع آلای ساز که در مجلس تفصیح کرد  
آمده نمی گردد توسیع دهد .

کراتان همین ن به سبازات توده آی زحمت و کمالی برای مهاجره زین بود ؛  
کتر تا چیز به شوا یافت که در انجا آماره های دشمن برای همین منظور زمان  
نیافته باشند .

به رزه کا مراکز مذاکت اقتدار م گردد گرفت . در مجلس تفصیح انجام  
نموده کارگران بیکار . ن زمان یافت که خواتار کار به بیمه بیکاری بود .

$$1-19=?$$

و هنگامیکه بدینال تعوض اولیه رژیم ؛ نگرانی بود که کنترل مردم و مشیرگان در آمدند ؟  
 درگیری چون سنجید ، تکلن های دیگرانیک از توپوگرافی آنها برای این بود امر  
 مساویست در مقابل تعوضات آن رژیم و امر اداره امور نیز ، در عملات مختلف  
 هر زمان یافته بود .  
 مستحق در دادگاه های علمی و با اعتبارات علمی می گذند ، مذهب در امور سیاسی  
 راه نیافت و . . . . .

این عملیات اگر بعداً تحقق می گزند و لغت کمال یافته آنها در ابتدا « برنا و کودتا »  
 برای خود فتنه گردان و « حقوق پایه مردم زحمت در کردستان فرمود و تبلیغ  
 گردیدند .  
 عملیات بودند بهیچ توپوگرافی با منافع توده های کارگر و زحمت  
 کردستان معین بود ، و همین دلیل عملیات بودند که وسیعترین توپوگرافی را  
 در همین حال برار تمام با جمهور اسلامی می توانستند انجام دهند .  
 مساویست که نظیر و ۱۲ روز مردم سنجید در برابر کنگره جمهوری اسلامی  
 می نمودند جدا از سایر کنگره های ملی در زندگانی آنها نیز ، برای خود .

دیگر این طرف و جانب بود برای آبادی توپوگرافی مردم در مقابل جمهور اسلامی ؛  
 و در همین حال از هوشی ضعف ۱۰۲ در کردستان ، برای لطو و مکرری آنها  
 در این ...

اما اگر مبارزه برای دگرگونی یکی از خصایصی باشد از خصصیت خود گذشته و یکی از  
نقطه قوتی اصلی آنست ؛ چیزی که فاصله از سوی ~~تعمیر~~ نه تنها زیاده بلکه  
هدایت و رهبری ~~را~~ <sup>میگرداند</sup> ، خوب دگرگشت هواره تلاش نموده است  
آن را محدود و محدود و حتی نقی کند <sup>و</sup> ~~تبدیل~~ <sup>تبدیل</sup> عمدتاً در مقام بر آن قرار گرفته  
راست . و این استدلال که : ~~نیست~~ <sup>نیست</sup> ~~تبدیلی~~ <sup>تبدیلی</sup> مستدام است ، ~~گردد~~ <sup>گردد</sup> ~~در~~ <sup>در</sup> ~~حقیقت~~ <sup>حقیقت</sup>  
~~فصل اول و دوم را~~ <sup>بعد از کتب خود نمایی به این نوع سایر خواهیم پرداخت</sup>  
من لغت و عناد خود را با دگرگونی توجیه میکنید . ما بعداً توضیح خواهیم داد  
~~در~~ <sup>در</sup> ~~وضع~~ <sup>وضع</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~اندازه~~ <sup>اندازه</sup> ~~بزرگی~~ <sup>بزرگی</sup> ~~و~~ <sup>و</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup>  
که توانایی ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup>  
اما همینها خاطرنشان میزیم که خوب دگرگشت ،  
به پیرای خود پس در لایه چنین ، از توپ بعدی مردم ، حلقه کار و پیروان  
تقاضی کنید رتبه و ردهای دگرگونی را که جمهوری میباید بر سرافش کند ، تا حلقه  
گمانی - که مد است آن را نیز خود . در همین خواهد کرد - لغو انوشی کنید  
آن مطالب است در بابک و عده ای خوب دگرگشت در حربه نمایند و خود آمل  
و آرزوهای خود را بر سر نهند <sup>و</sup> ~~در~~ <sup>در</sup> ~~حلقه~~ <sup>حلقه</sup> ~~و~~ <sup>و</sup> ~~دگرگشت~~ <sup>دگرگشت</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup> ~~با~~ <sup>با</sup> ~~تعمیر~~ <sup>تعمیر</sup>  
مندی ، لیاریند .

عصر آن گنجی بر آن ن دارد این نمانی نحوه و جمع دارد :

الف : مستورین یکی از این عصر است . هکتار مکتوبه که زنگنه در استان  
جنوبی القادسی و دیگر استکبار را برای مهاده اراضی مالکان در دسترمانی کردن  
راه امانا خسته بماند ؟ خود هیچ بود و در امانا و در دهانه مکتوبه بود ؟  
چ و عمده توطئه کودتای ۲۸ تیر می گشت ؟ حزب دیکرات به استیفاء تکیه و در وادی  
نظارت دست زد تا با یه تیراندازی حرکت دیکرات را سده نماید تا این حرکت  
انقلابی و ترمیمی عریض شود تا سرنگانی آن حزب دیکرات ، در دسترمانی کردن  
به پیروزی منتهی شود به شرط وقت .

یکی از اسناد گویا وسیع حزب دیکرات در دوران مالان جنبه انقلابی ، و ستم گری  
مرکز آن حزب در همین زمینه است . به قلمرو ( از این عهد گنجی ) ۵۳،۶۵  
صده گنجی ترجمه نماید :

در حزب دیکرات عهد قدیم یکبار دیگر سیاست کلی خود را در مورد روابط  
مالکان و اراضی ، به اطلاع خود مردم گردانان و پیروان گفان در استان  
برساند ؛  
حزب دیکرات بر این عقیده است که در شرایط کنونی باید توانین

و تورات نااندگون [ مستور قوانین و تورات اصلاحات ارضی سلطنت است ]

مجموعه مکتوبه گورد . نه مالکان حق دارند این روابط را به نفع خود بهم بزنند و  
نه به صلاح است که زارعان به حقوق که در این قوانین بیاید مالکان  
در امانت گردیده است و از نمایند . مستور کردن که به بین از بین احتیاج  
بر اراضی و نواحی مکتوبه اوطاف دیکرات دارد . این قوانین

تا هکتار مکتوبه اصول و تورات عهدی از طرف دولت مرکزی [ برای اراضی ]  
یا هر چه انقلاب [ زمین ] صادر میگردد باید مورد اقدام  
طرفین باشد . . . . . اینک عهدی از مالکان دست به توطئه علیه  
مردم گردانان زده اند نباید ستمی علیه مالکان و معنای همین است و از گورد  
( تا کرا اراضی )

سند بسیار گویاست ! عن الله به توده آن زنگنه ، تجاوز نام بگیرد ؛  
باید از این تجاوز دست بردارند . باید قوانین صحیح را به اطلاع ارباب محترم  
گسارند و تسلط بکنند تا با حق قوانین ~~اصول~~ عهد انقلاب ابرو بکنند .  
نمانده گورد . راسته اگر کسی اصفا او تتر گفته در کنه حزب دیکرات را  
در وای همین عهدی به بندید به نمی توانست متع حد گورد که این اطمینان

بمانده در هر حالت « در گذشتن سخن ندارد »  
 « برگردانیدن سخن گویند » ، که در گذشته آمده است ، چیزی که خواننده متوجه  
 ۲. در همین مورد در آنجا که در باب « حکایت و کارگردان » در باب « الله »  
 در گذشتن سخن گویند ؟ همین دلیل که در متن همین است ~~بسیار~~  
 بی اثر است .  
 در هر دو ضرب دگرگشت ، در همین قضیه « با عدم » ضرورت یکدیگر را دارند  
 عمل « [ و عدت کنی با من ] » از جمله « ~~بسیار~~ » است  
 از جنبه « مبرزه کردن » اقدام متیق کردن ؟ بر فردی در وقت  
 آنجا عمل کرده اند روی « می یابد » که این ضرب دگرگشت ؟  
 « نباید » بعد « آنجا که در قرآنی را محتمل گرداند ، و در نقطه نزول  
 اجداد عند الله به چیزی که در گذشته است . مستقیماً « ~~بسیار~~ » و « ~~بسیار~~ » اقدام فوری  
 نمودند و از این جهت را تعریف کردند .  
 « ~~بسیار~~ » در این جهت است .  
 بعد از ۱۹۵۹ و ۶۰ ، ضرب دگرگشت در لغت معنی آن که در لغت معنی « ~~بسیار~~ »  
 است ، بیانات این چنین است و نمود در گذشت . بعد از آنجا که تعریف  
 روایت است استیفاء نمود کرد و همه در موارد « اقدام از معنی آنجا برداشت

چه در رابطه فعلی نیز که در لغت معنی است ، ضرب دگرگشت را که  
 به این معنی است ، از اقدام بعد از آنکه که در ۱۹۵۹ و ۶۰ از معنی مابین  
 را تعریف کرده بودند مضامین آن ندارد .  
 ب : در لغت نیز « ~~بسیار~~ » در معنی ۲. و « ~~بسیار~~ » است .  
 « ~~بسیار~~ » که قبلاً آمده رفت ، زمان گرفته است « ~~بسیار~~ » و « ~~بسیار~~ » در معنی  
 فعلی گرفته است و از این جهت : « ~~بسیار~~ » از « ~~بسیار~~ » است ، از « ~~بسیار~~ »  
 در لغت معنی است ، آنجا که « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » نام گرفته است ،  
 « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » محمول است از حقوق آنها ، قیود هستند که زندگی  
 زمان را بر یک زندگی « ~~بسیار~~ » کرده است تا به یک زندگی « ~~بسیار~~ »  
 برود زمان در « ~~بسیار~~ »  
 اگر چه ضرب دگرگشت « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » بر « ~~بسیار~~ » لغت معنی است ،  
 « ~~بسیار~~ » در « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ »  
 عمل « ~~بسیار~~ » ضرب دگرگشت در هر مورد به لغت معنی است « ~~بسیار~~ »  
 چیزی که « ~~بسیار~~ » هر آن زوجه که « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ »  
 در « ~~بسیار~~ » که ضرب دگرگشت از لغت معنی « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ »  
 از این جهت « ~~بسیار~~ » ضرب دگرگشت را « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ » « ~~بسیار~~ »

ندیده، و براسم نتم - اجتماعی که حساب می کند، در واقع تنها عملی در آن  
 طرح از راه افکار و افکار است. یعنی وی، این کلمه بر جود در هر کدام  
 از اینها در این معنی است. در این واقعیت باید که اگر چه به سبب نتم باشد  
 آن وقت ~~فقط~~ در آن حال این حزب، یعنی در آن حالت، نه به حال  
 خود این بر این است؟ در هر معنی از این صورت گرفت و زمان و مکانی بود از راه  
 که بدان معنی نیست عملی حزب و کار است.

اما در مورد زمان که قصد کند از تجربه دیگران استفاده کند و در زمانه و جامعه  
 چون اینها استحقاق و کارها، ظاهر شود؟ آیا بهترین زمان است؟  
 و امر به حزب و کارها می آید. هر زمانه در هر وقت دیگران که در آن  
 بعد از هر چه بود، هر چه موضوع را که در این و بهترین زمان است

چنانچه در این عمل این حزب است.  
 چنانچه در این زمانه که که یک نفر دیگر از جمله آنکه در بهترین زمان است  
 برخی افکارها نیز با فعالیت اقتصادی و کلماتی که در هر وقت بود، تبلیغ می  
 باره حقوق زنی و مرد در خانواده و جامعه است. عملی برای حرکت آنان  
 در جهت عمومی که از این بر این است و کلیه این و افکار و مطالب  
 است. اما هر چه در زمانه و جامعه و در این آن بر همه زنده طبقه کارگر

و حضور زنان کمونیست و زن کمونیست در هر وقت دیگران که در آن  
 افکار است. در این معنی که در هر وقت دیگران که در آن  
 از اینها و همکاران بر این بر این است. این در این معنی است  
 زمانه و اینها که در آن است. این در این معنی است - اما همه -  
 می تواند و باید در جهت گرفتن انقلاب و کارهای هر وقت که آید.

ع. ۱: این به زمانه ترین عملی که در هر وقت دیگران که در آن  
 از راه اینها که در هر وقت دیگران که در آن  
 از راه اینها که در هر وقت دیگران که در آن  
 از راه اینها که در هر وقت دیگران که در آن

فردی که در هر وقت دیگران که در آن  
 فردی که در هر وقت دیگران که در آن  
 فردی که در هر وقت دیگران که در آن  
 فردی که در هر وقت دیگران که در آن



که در روزنامه که در این باب هم به این جهت که « عمل خرابکاران و توطئه گران »  
 نامید ؟  
 - در ۱۶۵۰ که نوزدهم واقعه در آن است ، کس را از گروه آ و با دیدگان مردم در مطرب  
 این خوب نبودند ؟ و از جهان بیگانه ها و همه در آن می کردند ؟ و چگونه در زندان  
 عطف -  
 - در یکم ۵۹ ؛ با بویه و کتافه متوسل به بیگانه در تبریز کان را -  
 • در روز روشن و در میان مردم ؛ با آریه ای گوید ، سرش از آن کان را اجابت  
 در این راه و غیره را چگونه در زندان عطف ؟  
 در فروردین سال ۵۰ ، در که کسی از زبان و دست کمینج ، راه کارگر و زندان  
 را در تبریز کان - تنها هر آزادی گریختن - به آن رسید .  
 - در فروردین ۶۰ ( ۶۰۰۰ ) ، تیراه ها در سال ( کامیابان ) ، ۲۴ بهار ۱۳۲۲ در تبریز  
 و زمستان همان سال ( مردمان ) ، طبق نوع آرزوی طبع بزرگش بر این کان  
 که در راه مورد کوشش نظامی قرار داد ؛ و در نهایت بین این قریضات ،  
 در میان آنجا که به « کانه تینفات » و « کانه کلک » چینی سفین کورد  
 در میان مردم مزاحمت ، کارکنی و گاه مخالفت این میگرد . هواداران  
 کورد را مورد اذیت و آزار قرار میداد ، و چند بار کورد را با چوب میزد .  
 - و از یکم ۵۳ ، چشم مردم قهر ، شکایت اتباع را در سایر کردستان  
 به کورد می بخشیدند که لغزش هم اداد دارد ، بوجه در کتاب اخیر هندو کورد

۲. در خصوص عین گشت که در این باب حاضر بودند از شرایط این خوب در میان مردم  
 شکایت می نمودند . این خوب قتل حکایت بارها بر کتاب کورد از خوب و  
 انقباض با مامورین وی کرده زخمی است .  
 - اعدام های عمیقانه و بیرون نماندن افراد را ، برکنده خود و گشت در غرب در میان مردم ،  
 زورگویی صیغ و در آنجا مردم - خدمت ، آزادی همینه ، بیخ مردم بیگانه  
 از لغزش و کجی همینه گرفته تا ترور ، با چنگیزی و اهتزاز از مردم لغت و این  
 مرتف ؛ اهانت و تحقیر روزمره مردم ، گناه گویید و کارگران انقباض ؛  
 بیخ از بیگانه ها عمل خوب دیگر است در بر خود ، توده های است که خوب  
 کوشش توفیق دسترسی به آنها را داشته است .  
 - در رابطه با نماندن آزادی ایولیدین حاضر در کردستان ؛ وی  
 در آن به تاخت و تاز میزد ؛ « کوردستان میوان به صای نیت که هر کس به درگاه  
 در کردستان از خوب دیگر است و نیز انگار گفته و در نهایت با چوب میزدند  
 چون حاضر در آن دو سوار - کانه به چوب میزدند

بمورد هندو که در ۱۳۰۲ میلادی در آنجا که در این نواحی و حومه  
 (زادگان بی بی) آنها ضرورت است اشاره کرد که ۱۸ د کلان این هندو که  
 خود را در پیش توپم که مردم توجیه میکنند

اصلی ترین ابراهیم که حزب دکوات بر آن توجیه این هندو که  
 خدمت انگار بدکوات و نتیجتاً ضمیمه توده است که گفته است  
 همان چون بی بی است که در میان مردم گردان و مردم  
 است ۱ تا سیدنا ایم بر گردان . حزب دکوات میکند  
 "گردان حق مانده است ، همین صاعقه اینا یک صاعقه است  
 برقرار است ، تعداد آرا و تبلیغ بر آرا ، اجباراً در هر  
 مدتی خواهد کرد ، رود سنگ و توفیق بوجه خواهد آورد  
 و ... " و میگوید "دکواتی اگر مردم وجودی  
 ندارند به جز بر آن رژیم من و با من " در این دکوات بی بی  
 مردم و جمع داشته ، که " و طبقاً از آنجا که "حزب دکوات  
 منتخب مردم گردان است ، از آن ره در هر چند است  
 پس این مردم وجود و ... حکایتی از معجزه ای نام خواهد بود

حزب دکوات مصلحتاً <sup>توجیه</sup> انگار به و توجیه دوستانه بر آورد - ابراهیم مکران  
 و در این  
 ایران در گردان را بر ابراهیم هند تا خدمت خود را <sup>توجیه</sup> دکوات  
 علیه مردم و <sup>توجیه</sup> و <sup>توجیه</sup> که خود بیرون خود و <sup>توجیه</sup> و در  
 جنبش گردان و تبلیغ است می کنند ، برخی چند ده  
 گردان هر قدر عقب مانده ، که انقدر بیشتر است که توپ پرانی است  
 حزب دکوات از در میان جنبش و توجیه بی بی ، <sup>توجیه</sup> گرفته و <sup>توجیه</sup> در برابر  
 آن ایستاد و حزب دکوات را <sup>توجیه</sup> که <sup>توجیه</sup> گردان و <sup>توجیه</sup>  
 بیشتر است که <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است  
 فعالیت بی بی و فعالیت انگار و بدون مانع کم نیست ، <sup>توجیه</sup>  
 که <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است ، <sup>توجیه</sup> گردان <sup>توجیه</sup> را <sup>توجیه</sup>  
<sup>توجیه</sup> که <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است  
 هر قدر عقب مانده باشد ، <sup>توجیه</sup> است که <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است  
 نگار ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است  
 و <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است  
 پس <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است ، <sup>توجیه</sup> از <sup>توجیه</sup> است

زادین

این ~~موضوع~~ ~~تکریمه~~ است که در جنبش کردستان در نقش فعالی نظم  
خود نگه داشته عمل کند. اما در این راه با مانع جدی در بر رویه است.

در کردستان عقب مانده، ضربات و نهادهای در کردستان و قومی  
طبقه کارکن و روشنگر و مجاهدان که بویژه طی جنبش گذشته چنانچه به معنی

روح «سرمه داران» «انگاران» «برابرها» «آزادگان» «مردان کارکن»  
«کوشش» «ضرب کوشش» «جنگجویان کارکن» و ... کرده اند  
و در بر بیدارند. همین کارگران، پیشگامان و نیروها دارند که

در قیام زنده و سیاسی تسلط کرده. از آزادی کامل و بیرون قید و بند نیست  
سایه رفیع می کند و بر پایه معنی این معنی می کند. از مبارزه و معنی این معنی

و تغییر نسبت به نقد و آن را هدایت می کند. <sup>موانع</sup> «برابرها» «قوت» «نق» «مردان»  
حقیقت. حقوق پایه آید. <sup>موانع</sup> «نق» «کردستان» «انجام کرده» «از جمله مردم»  
میزانند که به رفیع از آن بر طرزند؟ مع اند و در مبارزه علیه جبهه ای  
و بران رفیع جمعی از معنی فکرتند.

این جبهه سیاسی طبقه قومی است که در این بر رویه  
نظم کلان استوار است. <sup>موانع</sup> «مردان» «گرمی» «این» «روند» «نق»

ضرب و کتاک نیز عیار خود دیگر نسیم صوفیان را بر هم می ریزد تا بی بدین از این  
مفهوم به این معنی <sup>موانع</sup> «نظم» «بمناظره» «نیاست».

و در این نوع ارتجاع خود را تا حدی که نماند که رهبر از هر گونه قید و  
مورد <sup>موانع</sup> در همه بدستخاف طبقه کارگران و دیگران؟ اس  
و خود مناسبت سرمه داران، و هیچ طبقه طبقه کارکن؟ <sup>موانع</sup> «برابرها»  
را در همه کردستان می کنند.

این باید که <sup>موانع</sup> «کردستان» «عبارت» «کلام» «سرمه داران» «باید» «باید»  
این سرمه داران <sup>موانع</sup> «دکالت» «انواع» «کردستان» «کردستان»

زادین سرمه داران <sup>موانع</sup> «کردستان» «کردستان» «کردستان» «کردستان»  
طبق <sup>موانع</sup> «کردستان» «کردستان» «کردستان» «کردستان»

در <sup>موانع</sup> «کردستان» «کردستان» «کردستان» «کردستان»

در <sup>موانع</sup> «کردستان» «کردستان» «کردستان» «کردستان»

در <sup>موانع</sup> «کردستان» «کردستان» «کردستان» «کردستان»

بیان این نظرات - اگر صرفاً منافع آنها نظر نباشد ، بلکه عدالت است  
 هر ضربی که عقاید و کرامت خود را - صمیمی و عطف سر بیاید دارد ،  
 آن بران خوب نکند - و هر ضربی بود که در آن - این نظرات  
 کاین نظری خصوصت عمل با منافع طلبکار است ، بران خوب نکند  
 این نظرات با این نظری است که مبارزه طبقات بود و با عدل  
 بود و از آن را در عهد های مختلف - در این نیز نماند ، با این نظری است  
 که این از میان این عدل بود در آن است ، بر آن کرده است ،  
 ضد دیکر است که در در قبایل طلبکار و مطالبات دیکر است  
 همه به آن شاه رسید ، در فتنه صانع مایه گویند که گاه عمل کنند  
 و در این زمان و مردمی چنین و بیرون خود این کار را میگردانند  
 مردم انقباض کرده ، اگر در بیان نظرات خود آزاد نمانند ، اگر  
 آزادانه عمل نمانند ، اگر آزاد نمانند که گاهی را بیرون نمانند ،  
 رو کند ، اگر آزاد نمانند ، هر گاه به اقدام مهمی در فتنه دست بزنند ،  
 اگر آزاد نمانند از حقوق دیکر است ، طلبی و هم خود ، همین امروز دیکر  
 و با او که از هر چه بیشتر و بیشتر این مردم دیکر است - برونگار  
 و گاه ممکن - محرم باشند ، و با لکن از ترس لنگر لغت ۲۱ د

این را کاملاً بخواند و فقط این حرف را در با سخنان گویند ، از همان  
 ابتدا این که ثابت انقباض خود را گویند ،  
 تنها با کزاده کمال و بدون قیود و شرایط و غایب است ، کمال بیاید و عدل  
 و مردم سوزان ، با کزاده کمال ، بر این حقوق زن و مرد ، و دیگر  
 حقوق دیکر است که در آن است و لیکن این بوده های مردم را میگردانند  
 سزایان را در بر آن است ، در آن است سزایان را در قطع مردم میگردانند  
 ، هر چه این را میگردانند ، بر آن است سزایان را در قطع مردم میگردانند  
 حقوق انقباض است و بر آن است ، با آن عفا و درود ، عمل مانع  
 آمدن مردم کرد ، بر آن رفیع است ،  
 اما ، در خود دیکر مردم خود را تحت همان ، حفظ نگارند ،  
 و در آن است ، و وعده میدهد که با یک خود نمانند ،  
 دیکر است ، که در آن است ، با آن است ،  
 با آن است ، که در آن است ، و لکن از ترس لنگر لغت ۲۰  
 و در آن است ، که در آن است ، و لکن از ترس لنگر لغت ۲۰  
 و در آن است ، که در آن است ، و لکن از ترس لنگر لغت ۲۰

حزب دیکرات از جهات آغاز بر سر کار آمدن ضد انقلاب بود و از این جهت  
عبود در ایران ، به معاصی وی پرداخت . بنام مردم کردن آن جنبش را  
رهبر انقلاب خواند و چشم امید بوی داشت .

در فروردین ۵۸ حقیقت از این حزب دیکرات به دیار جنبش و بازگشت گشت  
و « روح مبارکانه ملت انقلابی را بوی بر کوه گشته تا و در کجا با ضرب  
دیکرات کردن را از آن عدم کند را

طی اردیبهشت و فروردین سال عبودیم اینک « حزب دیکرات کردن و  
چندین بار اظهار تمییم و غیر تمییم با رهبری انقلاب و دولت تمام کردند

و دیکرات متعلق کردند را با صداقت و مراهبت کاملاً با آنان رسول  
گفته است « معذرا « رهبر انقلاب « و « دیکرات انقلابی «

به حزب دیکرات روح جنبش را میخواند . گوی که در آن حزب دیکرات در  
تابخ ۱۷ فروردین ۵۸ طمانند در خطاب به بازگشت اعلام میگرداند که :

« پس از پیروزی انقلاب ، حزب دیکرات کردگان تبدیل به برترترین  
پژوهش در منطقه گردید و بنا بر مسئولیتی که در کمال مردم کردند و

در ایران و جهان میکند ، انبیت و حفظ اشتکامات را در بسیاری از بخش‌های  
اول و ۲ ، تمام .

مزی که کرده عبود در گردیده است . حزب ما پس از پیروزی انقلاب ، تمام  
انگیزات خود را در خدمت صحنه مبارزه انقلاب بنا کرده است . پارادایم  
عبود و هزار بار حزب ما ( شکر را در هر کجا که ۲ ، ۳ ) بیرون که بهترین

حزب دیکرات و بیرون است که بر سر راهی از پیوسته راهی استفاده کرده تا راهی که نه  
از انبیت و راست مردم همانا که آمده اند .

حزب دیکرات در اینها خود را بهترین نیروی که توانا و ایثار نظم مطلوب مردم را  
در کوهستان دارد ، چونان که میگوید و در این میان ابایی ندارد که اینک

و دعوت و دیگران که خود را با پارادایم بنا کرده . تا این به تنهایی  
کامیاب است ، باید در رهبر انقلاب « و « دولت انقلابی « را از وجود

خط انقلاب و جنبش منحرف به شدت از : « دولت هم‌دین بازگشت  
باید توجه داشته باشد که در کردگان گروه‌ها سطح به مسئولیتی وجود دارند

که هیچ‌یک نفوذ آنان در میان مردم اندک است لیکن امکان دارد در کمال  
انقلابات که پیوسته ما مورثین عملی الحوزات را دهند و ما که عبودیم

و اینک حقیقت ما بود و  
« پس از آن حزب دیکرات ادعای کرده است را بر دولت حقیقت  
در کوهستان میزند . آن در گروه‌ها سطح به مسئولیتی که نفوذشان

در بیان مردم اندک است که جز مردم مسلح کردن و سازماندهی آنها  
 و کوشش نبوند و با اقدامات سنجیده مأمورین و چهره جز مجاهدان  
 نرسند، ضایع با مدارات و جانها در میان و دیگر توفیق الهی است  
 مأمورین مردم نبود و سرانجام آن «ما جعبه» چیزی چنین گفتند  
 حاضر مردم کردن است نبود.  
 بر حال خود ملاحظه کنید؟ نام سه مؤلفین؟ بر این کار دادند؟  
 بر ضرورت و نیاز فاعلان پس آن کارن موی مجرب بود؟  
 در عین حال مانع حکما در دولت با فرب دکورات است که به عنوان  
 یک نیز در سواست ممول میداند با حکما در مقامات در آن وقت  
 در خط است و آسایش منطقه و بیشتر در دهستان است [سواست  
 رژیم مردمی] داشته باشد.  
 این اندیشه بود که است. انتقاد فرب دکورات به رژیم مردمی و مأمورین  
 در این است که با اقدامات سنجیده و حرف با عیب بر این چنین مردم موزن  
 و تذکر میدهد. نیروی مملکت چون خودی، قادر به اقدامات سنجیده  
 بر این فاعلان کردن مردم است تنها به این مگر که مأمورین حکما، پیوسته  
 بود.  
 فرب دکورات با حمایت وادان تدبیر کرد تا رژیم را از عدم دفاع خود  
 در حرکت است در کردن ممکن سازد. چنانچه رژیم را که

حکمت است مردم را بر این توفیق پرگاه رژیم، عمل کرده کردن و  
 نامید. و در این مردم مریان عملان در متن بر توفیق است جاری و در این  
 و این کار کرد فرب دکورات است نمود. «فرب دکورات کردن است ایران»  
 بود که مردم مریان که در روی ادان مریان و فاعلان تدبیر و در این  
 نیز در چنین مواردی در این کار را فاعلان کرد.  
 (و در این کار کرد فرب دکورات ۲۱ راکر ۵۸)  
 کردن به یک از مریان و مریان مریان کا فاعلان است و دکورات در این  
 بود و مریان مریان در مریان مریان فاعلان است.  
 روز چهارم فاعلان یعنی چهارم روز فاعلان فاعلان مریان مریان و  
 دست در روزی که رژیم آسایش و نیروی است خود را بر این مریان مریان  
 فرب دکورات و مریان فاعلان مریان مریان.  
 «حکمت است است»  
 به است دکورات تمام مردم مریان که در این در این فاعلان  
 بود و مریان مریان و مریان مریان مریان مریان مریان مریان  
 مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان  
 از مردم مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان مریان  
 جواب و رژیم آن صورت مریان مریان مریان مریان مریان مریان

۱۴ روز بعد از وفات همسر بنده تقسیم آن حضرت بود و جناب ابوالفضل و سایر  
 کردگان بیایند مردم کرد. جناب که در این مجلس از سال ۱۳۰۵ در برابر آن تاب  
 نیاورد و میبردند و وقتاً <sup>و تمام</sup> صلح صادر کند.  
 با هر دو جنبه حزب دگرات با امید پیرو قسری که بپایان بگذاریم، همان روز  
 و صبح ~~صبح~~ از پیروان بر این زمین حقایق سرافراز می زدند و با صبر  
 بنام میزدند که رژیم اسلامی حکم برایش بود که به کردگان درنگ نکند کرد  
 و عود به نظیر جواران حق کرد می بردند. به این یکی از پیروان  
 برنام و اسلحه حزب دگرات معروف <sup>دانشمند</sup> گفته چهارم توجه کنید:  
 « طی ماههای خفین پس از انقلاب مردم کردگان به رهبری حزب دگرات  
 از فراز و نشیبهای بسیار گذشته و پیروزیهای چشمگیری بدست آوردند  
 (این کتاب را همیشه بگردید) و بدین کردگان به سرنگ آزار و  
 دگرایی در سر ایران تبدیل شد [علیرغم خونخواران و کما رکنه] و  
 حزب دگرات و حزب دگرات اعلام کرده بود که به این نوع کارها نمی پردازند  
 این جنبه ایستادیم امریکا پس ماندگان رژیم شاه در خفین  
 به توطئه های متعدد علیه انقلاب ایران و مردم کردگان دست زدند  
 و با لاف و با مزیت کردن از حق نام خفین رهبر انقلاب و ترقی  
 کردند یک <sup>کتاب</sup> کتاب ناخوانده را به حق ما میخوانند »

این ادعا بود که نه ادعای حق کرد علیه جواران خود، بلکه با لگن  
 ادعای خود کرد علیه حق کرد است.  
 حزب دگرات با تکیه بر این ادعا که مردم کرد را نسبت به رژیم اسلامی  
 برتری و ازادگی و برتری بر رژیم اسلامی و رهبر آن که با هر دو جنبه در کنار است  
 کردگان از جنبه های حزب دگرات از تکیه بر این ادعا است.  
 « او از زمان ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ هجری قمری حزب برنام و برنام حزب دگرات  
 حقوق خود بود و از زمان ۱۳۰۹ هجری قمری برنام و برنام حزب دگرات و  
 هیچ عنوانی در مقام خود که در زمان خود را با برنام کاف از کامیون  
 آغاز کرد و از زمان ۱۳۰۹ تاکنون در آن شرکت کرده است و در تمام این مدت  
 است.  
 سال ۵۱ که کردگان بر زمین را به خود گرفتند و حزب دگرات باز  
 به برنام برده شد و تا تمام آمد. وی در تمام دوره های سال ۵۱  
 را در برنام بود. « در سال ۵۱ و سال ۵۲ هجری قمری حزب دگرات به رهبری ۵۰۸  
 [و این جنبه که در تمام مدت با دگرات است] و همچنین و سایر کتاب است  
 تشریح را از این [به هیچ نوع پیروزی نرسید و در میان دگرات  
 و سایر جنبه ها که در تمام مدت با دگرات است] و سایر کتاب است  
 و سایر جنبه ها که در تمام مدت با دگرات است »

در روز دوشنبه ماه ۵۰، هنگام نیم روز در کنگر...  
در نامه گریه تمام برده « سزای های دگرگت وین و کفایت های  
آزادخواه ایران و بددشت برده ! زمین جهنم، بلیغ گوراه پنهان و...  
زلفا رسیده !

دو بیگانه پیام آید آید در ۲۰ ماه ۵۸، حزب با اولین  
سازمان سوسیالیست که کارکنان خود را بران من معلوم سازند که عدم کرد  
کنان که با تالیفات کفایت حزب با خدمات کرده اند، همیشه و کفره  
حزب، آید در کارمان، آید در کارمان، عدم موقوفه در کارمان  
میرانند که ادب بدهند که حزب ما تا چه حد صداقت و شرف در کارمان  
نشان داده اند... و سرانجام جهنم را یکبار دیگر  
بیا که میزند که دعوت میکند.

خود را، ۶۰، توضیح بنامی جهنم که از نقطه نقطه کارکنان و دگرگت  
کند عهد هر نوع مخالفی - همه دعای خائنانه در روز نیم - بند و  
بریم عمل رسیده از برده حزب دگرگت با ۲ خدمت و بیجا کار کرده ایم  
حزب دگرگت (نمونه ۵۰)، در نقد پیر و نوشته « [نگاره چهارم] »  
را « نقد تا کام ۲ » و چنین زهره نقد « [نگاره چهارم] » را  
چنین یک که بدگرگت کرد توصیف کرد.

حزب دگرگت، آید، خود را به مرجع برگرداند دگرگت برود است  
لوراه هر وقت است... آید از ۱۲ فروردین... از انظار و تراجیح  
جهنم رسیده با طایفه کارکنان برودنی همه بر امید سرگشته برین  
و آید دگرگت را آید آید... دعوای کارکنان برین  
حزب دگرگت را در این به حزب این برودنی که برودنی لوراه تا کار  
در این برودنی است کارکنان که در آید و طایفه انزلی و انزلیات جهنم دگرگت  
در این در کارمان بود که بود.

حزب دگرگت چنان که آید و آید... آید از این برودنی که حزب  
تا به کارکنان و کارکنان در کارمان در کارمان... آید  
آید از این برودنی برودنی لوراه - آید در این برودنی  
و آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه  
برده همه کارکنان که آید و آید و آید که آید که آید که آید

آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه  
آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه  
آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه  
آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه  
آید از این برودنی لوراه - آید از این برودنی لوراه



ماورین استهنا لعلین را ذکر کرده بوده و در ذکرش همین ذکر کرده است  
اینه قولین هر چه م - که در طبقه خود معاد لازم را بر او هفتند - در برابر  
گرداننده است : انباء شهاب کس کرد و حکومت ندجه ، حق و عقاب کارگران  
با اهل زبانه است ؟ برابر زبانه و مرد مطابق مولدین پندم ، برکت ما شکرگان  
کارگران در جبهه تدوین قوانین کار ، توسط دولت ، آرزوی انبیا است  
براه همین ذکر است ایام ، گرداننده مگردن ، خط و بازن زبانه در این  
حقه ای .

حزب دکوراتیو جنبش لندی را اضافه کرد . لندی در انگلستان  
عیدیه همین هفت کرد ، بجز عید ملیت کارگر در گرداننده و عید دکوراتیو است ،  
دین لند ملغوبه است از : انبیا لنگری من + دکوراتیو ماورین  
و دکوراتیو ادرله و نظای بود و در این هفت مگر که در گرداننده + همکاری  
حزب دکوراتیو براه جرای دین قوانین است انباء انبیا زبانه و لیکر کردی ،  
مؤلف حزب دکوراتیو - که نام روز به روز جنبش « در عقاب » هم می بردند  
در روز به روز کن ۱۰۰ م و طرح خود را بر سر برداشتی !  
حزب دکوراتیو در انگلستان ( همین بود ) میگوید : « در سینه من لاند  
بروم چنین درباری برین آنگر تانیه ، تا کردن استمان لبار گفته کرده و معنی  
نظر حزب ما در این مورد روشن است : ما نوره با معادیت را تنها که استمان  
دکوراتیو می دانیم . این لورا هم از نظر ترکیب نیرو کس و هم از نظر

و هم از نظر برادر تنها استمان است که توانایی کار ما را تقویت را دارد «  
همین گفته در لند « در باره طرح نوره با معادیت بهار خود معادیت گرداننده «  
میگوید « در انگلستان در سینه این طرح را یکی از نوره و در سینه لاند در نوره توان  
مردم را در نوره و توان کار و معادیت را بر سر برداشتی کردی ، بر هر چه  
حزب دکوراتیو کردی در انباء می دانند « در این حزب دکوراتیو  
کردی و « به هر نوره شد در باره خود و به هر چه در باره طرح نوره با  
معادیت بهار شد نوره کردی است ایام نظای و در این باره آنگار  
شکرگان و کارگران و انبیا انبیا انبیا است «

این طرح را در لند با این نوره است از نوره در این جنبش ؟ همه کارها بر این  
رسم و در باره انباء حزب دکوراتیو و نوره با معادیت به هر چه  
راند و می بیند . دین حزب در این نوره در باره با معادیت به هر چه  
به نوره انبیا برداشتی . اینم که نوری حزب دکوراتیو  
( ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ ) « در سینه و کت عقاب « دوستو در جنبش حزب  
و معادیت می دانستند « انبیا انبیا نوره بین نوره انبیا و ما مورین رژیم  
و معادیت صورت گرفته است و اگر چه از نوره و انبیا انبیا در این است  
و نوره انبیا انبیا نوره « هیچ نوره بر سر برداشتی نوره انبیا نوره  
و نوره انبیا انبیا نوره نوره « نوره نوره نوره نوره  
بر سینه انبیا « و نوره حزب از نوره با معادیت نوره از نوره با معادیت

برای بوی آب و زرد کفک کفک در هیچ بوی زرد کفک کفک و اسام  
 معیار بود و این بوییم و در طب با نموناد از کفک کفک کفک  
 درت بردارد و من تراب کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 و لدم در لینه مذکرات از لوی ممانت مطبخ کفک کفک و حو راد کفک کفک  
 طب ذکرات در دین بود که از کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

البه در مهابت همین بوییم در کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 از زمان کای بوییم آمده است

و اگر کود عیوب ذکرات کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 عیوب کود کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 در مهابت کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

که آفرین کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 طب ذکرات کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

بک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 هر مان لغیر این کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 عیوب کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

از لوی ممانت مطبخ کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 در ۲۵ آماه

صفت بوییم با برادر با در نمود کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 از کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

طب ذکرات کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 بود کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

طب ذکرات کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 در مهابت کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک  
 کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک کفک

خوب دیکرات از طرف مردم انقلابی، تقاضا میکنند که نظام  
 « خط و صورت من » عمل انقلابی انجام ندهند و نظامی رفیق من هم  
 و یک خودمشارکتی فوق از دیکرات، از طرف بیان، همیشه، لکن  
 در مبارزه طبقاتی دست بردارند، چرا که بعد از خودمشارکتی  
 و اینها بلکه لویا لیسیم نیز توسط حزب دیکرات مستحق خواهد بود  
 و آنچه که خودمشارکتی من، خودمشارکتی و نواجم با بوداردی  
 لکن نیز و سرکوی مطیع است، وارد قرار دادی است از برای  
 خود دیکراتی را که در آن اجتماع  
 دیکراتی و چه خودی میگویند، لکنی میگویند، نسبتاً با همکاری  
 و دیکراتی خوب دیکرات و کت نام خودمشارکتی است  
 حزب دیکرات رفیق من هم و کت خودمشارکتی، همکاری کرده است  
 مردم کت را از کت لیسای خودی، با ما ضد مائو و دریا کت  
 خودمشارکتی شرکت میوهها  
 حزب دیکرات رفیق من هم و کت خودمشارکتی : خودی لکن  
 با خود دیکراتی که از طرف نظامی و ادارتی و برقراری همکاری کرده است  
 سلبی از مردم بر سر کت لیسای خودی را ما ضد مائو  
 و دریا از کت خودمشارکتی شرکت میدهد

حزب دیکرات گترت و دیکرات هوای کرده های میلیونی مردم کرمان  
 را در خود کرده و دیکراتی لیسای، دیکراتی، دیکراتی و دیکراتی  
 کردارهای، تا خود دیکراتی خود با دیکراتی دیکراتی و لکن  
 و از برای اجاره قرار این خود دیکراتی، خود مائو و لکن  
 از برای دیکراتی شرکت میدهد  
 و خود از برای خود حزب دیکراتی، دیکراتی تاریخی است که  
 نام دیکراتی  
 از برای حزب دیکراتی، دیکراتی لیسای، دیکراتی لکن و دیکراتی  
 کت خودی که از لکنی و دیکراتی لیسای آمده و برای رهائی  
 خودی دیکراتی و دیکراتی لیسای خودی و دیکراتی لیسای  
 کت لیسای دیکراتی با ما کت دیکراتی لیسای، که ما کت خودی و دیکراتی  
 دارد، که دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای لکن  
 و با دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای دیکراتی  
 دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای  
 دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای  
 دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای  
 دیکراتی لیسای و دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای دیکراتی لیسای

آنرا که تمام است اگر این رفتار را نگاه کنیم و ببینیم که در این رفتار  
 عروضا را از بهر اینکه ضرب دگرگات فریب خورده است  
 داده کرده است مثل آن طایفه که ضرب دگرگات و سایر این چنین معادله  
 لوق میدهد. <sup>در روزگار</sup>  
 ضرب دگرگات و ضایع از منافع ~~در حقیقت~~ در حقیقت ملی است  
 است. هر چه که ~~در حقیقت~~ هر نوع حرکت مستعد کرده است؛  
 هر نوع دگرگات که طبعاً در آن رسیده و نیاید و کلام لود و  
 مستعد بود و دیگر دگرگات را به دور خود گرد آورده و صاف کرده است  
 علیه ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 مردم به حقوق دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 باقی ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 است بر یکدیگر دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 به وی حکم می شود که ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 تمام ضرب دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 از قدرت ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 و ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت

اینکه تمام است اگر این رفتار را نگاه کنیم و ببینیم که در این رفتار  
 عروضا را از بهر اینکه ضرب دگرگات فریب خورده است  
 داده کرده است مثل آن طایفه که ضرب دگرگات و سایر این چنین معادله  
 لوق میدهد. <sup>در روزگار</sup>  
 ضرب دگرگات و ضایع از منافع ~~در حقیقت~~ در حقیقت ملی است  
 است. هر چه که ~~در حقیقت~~ هر نوع حرکت مستعد کرده است؛  
 هر نوع دگرگات که طبعاً در آن رسیده و نیاید و کلام لود و  
 مستعد بود و دیگر دگرگات را به دور خود گرد آورده و صاف کرده است  
 علیه ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 مردم به حقوق دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 باقی ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 است بر یکدیگر دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 به وی حکم می شود که ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 تمام ضرب دگرگات ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 از قدرت ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت  
 و ~~در حقیقت~~ در حقیقت است که می شود و در آن ~~در حقیقت~~ در حقیقت



روز پرورزی چنین گردان . وضع تمهید کب و تعیین حرکت ،  
 گشت هویت پرورزی این فصل است و انکس بر صفت است  
 و طبعه است که در کسب و درجه است و کب و تعیین حرکت ،  
 از پیش هر طایفه و به نسبت رهایی خود اند و نیز در این سه درجه  
 در کسب و کب و تعیین حرکت هستند ؛ که در کسب و طبعه کار  
 در گردان .  
 در کسب و طبعه کار در کسب و تعیین حرکت از نظر اندازه از بزرگی  
 سرمایه ؛ به بزرگی حرکت و طبعه است که در کسب و طبعه کار  
 به بزرگی حرکت و طبعه است که در کسب و طبعه کار دارد و برای  
 تا بین کمال که در درجه طبعه است ؛ به و تعیین حرکت از  
 صحت و درجه دارد . طبعه کار در کسب و طبعه کار برای انقباض و انقباض  
 که نیازمند حرکت است بلکه در درجه حرکت در کسب و طبعه کار  
 طبعه حرکت که دارد به انقباض و انقباض در کسب و طبعه کار  
 انقباض و در کسب و طبعه کار ؛ حرکت من ؛ حرکت در کسب و طبعه کار ؛  
 به حرکت و طبعه کار ؛ و ... حرکت اجزاء است و طبعه کار در کسب و طبعه کار  
 طبعه کار را حرکت و طبعه کار و طبعه کار و طبعه کار تا بین

این  
 گردان ، طبعه کار تا حرکت در هر جهت است - طبعه کار و طبعه کار  
 حرکت ، طبعه کار و طبعه کار خود را گردان کند ؛ برای و  
 طبعه کار و طبعه کار و طبعه کار ؛ طبعه کار و طبعه کار و طبعه کار  
 است و طبعه کار که این طبعه کار است ، طبعه کار و طبعه کار  
 طبعه کار و طبعه کار طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار و طبعه کار ،  
 در کسب و طبعه کار .  
 در کسب و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار در تا بین حرکت ،  
 برای و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار  
 نیازمند طبعه کار .  
 با این فرجه ، طبعه کار است که چنین گردان و طبعه کار  
 طبعه کار و طبعه کار و طبعه کار ، با این طبعه کار و طبعه کار  
 و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار ،  
 در کسب و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار ، طبعه کار و طبعه کار

و بر نوبت سوزی هم حکم کردند . این وقت که وقت بود  
را با فرزند « ماموست » می کردید :

اول مبارز میقدم و سینه را دکرا می است و چشم میبرد که ما این  
دکرا می می توانی توره ها هم را بره پیش بر چنین سوره ها  
داد و دفع ستم می را از کائنات بر سر است ، که می گوید  
نماید دفع ستم می ، فعلاً دکرا می را بر کن می کنید ؟

اول خودت را با مبارزه طبقات و استعدادهای طبقاتی برودن است  
و چشم میبرد که طبقات کارگر متعلق ما در به پیروزی رساند  
همین چنین است ؟ ~~...~~ طبقات کارگر مبارزه  
طبقاتی است و چشم میبرد که به هر روشی میجویند و بر نوبت  
چنین می باشد ؟

از جریانه مسلح کردن صدها زن و مرد ~~...~~ کردن و دستگیر  
رنگین تا دندان مسلح ، اقدام تفریق و انفورجی آنان است و کم  
تا اینکه به که در دست دارد توپهای مردم را میجویند ، مورد  
اذاکت و تفریق قرار میدهد ، و اقدام مسلح و کشتن آنان را  
و تجاوز و « در طاعت » مملکت میزند .

اول خودت را دفع ستم می و کلب می این سوره را بخوان  
و زخمی کن کردن از بهترین قدرت سوزی بر خود را بخوان ؟  
و سوره برین سوره که برای هدایت کارگران کردنی با دیگر  
کارگران درون درون لازم است ، که می در دستنویس هماری ~~...~~  
طریقه ها با بود و ادای دایره های است و از حدت و ستم نام آن  
~~...~~

اول به نوبت کارگران و زخمی کن و کلب که مردم میجویند است  
که می بود و ادای دایره های از نوبت زخمی کن و دستگیر  
تا کلب این زخمی کن و با آنان جهت کرد

توانایی که چنین کارگران در داد و ستاد کارگر  
در دست است ؟ ~~...~~  
طبقاتی است که ~~...~~

آیا با این ۷۰۰ نفر برای خودن در کشتن که خودت را در ۲۴ از  
ستم می است ؟ ~~...~~ نباید میبینی شده ، شد که پرچم زها این می در دست  
طبقات کارگر و حزب کمونیست است ؟